سال هفتم - شماره ۱۸۱۸ — تك شماره ٦ شاهی — عصر ۲ شنبه ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۱۱ مطابق ۳ شوال المکرم ۱۳۵۱ — ۳۰ ژانویهٔ ۱۹۳۳

# اطلاعات

روزنامه یومیه عصر
صاحب امتیاز ومدیر : ع . مسعودی
نمرهٔ تلفن: اداره ٤٤٤ — اطاق مدیر ۳۸۸

قیمت اشتراك
یکساله ششماهه
طهران و ولایات ۱۰۰ ریال ۵۰ ریال
ممالك خارجه ۱۵۰ ریال ۸۰ ریال

قیمت اعلانات
صفحهٔ اول سطری ۳ ریال
« ۲ و ۳ « ۲ «
« ٤ « ۱ «

محل اداره
چهار راه وزارت جنك ـ عمارت انتخابیه
عنوان تلگرافی : طهران ـ اطلاعات
کلیهٔ مراسلات بعنوان دفتر روزنامه فرستاده شود
مقالات و لوایح وارده مسترد نمی شود

## در اطراف نطق سرجان سیمون

قبل از اینکه وارد مذاکره در احصائیه و ارقامی که سرجان سیمون ذکر کرده است بشویم و بخواهیم راجع به عملجات کمپانی صحبت کنیم که یك قسمت آنرا عملجات هندی و عراقی تشکیل میدهند و این مخالف نص صریح فرمانی است که در دست داشتند لازم است متذکر شویم که متاسفانه اظهارات سرجان سیمون در جامعه ملل همانطور که دیروز هم اشاره شد بکلی خارج از موضوع بوده است .

چیزی که در دستور شورا قرار گرفته رسیدگی بشکایت ایران از مداخلات غیرمشروع بریطانیا در مسئله نفت میباشد و سرجان سیمون بدون اینکه در این قسمت وارد شود ارقام و احصائیه تحویل جامعه ملل داده است و حال آنکه ورود در جزئیات امر و علل الغاء امتیاز دارسی مورد مذاکره و بحث نبوده چنانچه آقای وزیر عدلیه از طرح موضوع نفت در جامعه استنکاف ورزیده و متذکر شده اند که «اختلاف ودعوا بین دولت انگلیس و بریطانیا نیست بلکه مابین دولت ایران و یك کمپانی صاحب امتیاز است و چون کمپانی هنوز از ادوات قانونی که در دسترس آن میباشد یعنی محاکم ایران استفاده ننموده لذا دولت بریطانیا حق مداخله در این امر را نداشته است.»

شکایت دولت ایران این است که پس از الغای امتیاز دارسی که یك موضوع داخلی بوده و دولت خارجی حق مداخله در مسائل داخلی هر مملکتی را ندارد برخلاف انتظار ما دولت بریطانیا در این امر مداخله کرد و مبادرت بتسلیم یادداشت واعتراض نموده دولت ایران را تهدید نمود و بالاخره سفارت انگلیس در طهران که تا کنون بهیچوجه در مسائل جاری بین دولت و کمپانی مداخله نداشته و این حق را هم ندارد حائلی بین دولت ایران و کمپانی گردید و دولت بریطانیا بجای اینکه از حسن نیت دولت ایران نسبت به تسهیلاتی که برای کمپانی قائل گردیده و درب مذاکرات آتیه را باز گذاشته است استفاده نمایند وسائلی برانگیخت که کمپانی نفت دربرابر حل مسائل مقاومت ورزد .

دولت ایران نمایندگان خود را بجامعه ملل اعزام داشت که شکایت خود را از مداخلات غیرقانونی دولت بریطانیا بشورای ملل عرضه دارند و الامجمع ملل جای بحث و مذاکرات در احصائیه و ارقام نفت نیست ، مجمع ملل صلاحیت رسیدگی بموضوع نفت را ندارد ودیپلمات معروف دولت بریطانیا برای اینکه موضوع را بجامعه ملل بیاندازد بدون اینکه خود را آشنا باساس موضوع نماید در صدد برآمده است نوع پرستی و خیر خواهی کمپانی نفت را با اعزام سالی دو نفر محصل! جهت تعلیم گرفتن فنون نفت بجامعه ملل عرضه دارد و از تاسیس مریضخانه در منطقه نفت صحبت کند و بدین وسیله توجه نمایندگان ملل را به اعمال خیر کمپانی جلب کرده و قلوب نمایندگان شورا را بطرف ملیونرهای نفت معطوف سازد !

سرجان سیمون اظهار نموده است که در سال چندین ده هزار نفر ایرانی بتوسط اطبای شرکت نفت مجاناً معالجه میشوند

در نظر ما پوشیده نیست که کمپانی نفت دلش بحال مردم و ملت ایران نسوخته است و دیناری خرج صحت و سلامتی افراد این مملکت نکرده و نخواهد کرد، مریضخانه‌هائی که شرکت دائر کرده و اطبائی که استخدام نموده است نه بخاطر قیافه های نجیب و مظلوم افراد ایرانی است بلکه برای پیشرفت کارهای خود کمپانی است .

گویا سرجان سیمون متوقع بود که یك کمپانی باین مهمی با عدهٔ معتنابه عملجات خود سرویس صحی نباید داشته باشد و حالا که سرویس صحی دائر نموده و برای صحت و تندرستی مستخدمین فرنگی و ایرانی خود مریضخانه دائر کرده تا بتواند از مزاج های تندرست و سالم کار بکشد وعملجات بدبخت را در آفتاب سوزان خوزستان بکار وادارد میخواهد منتی براین مملکت تحمیل نماید .

من نمیدانم این بیانات متشرم سرجان سیمون چه تاثیری در بین جامعه ملل بخشیده و آیا هیچ یك از نمایندگان ملل تصور نکرده اند که یك مؤسسه عظیمی که در سال ملیون ها لیره از ایران استخراج و به لندن می فرستد باید طبیب و دوا و مریضخانه هم داشته باشد؟

کدام مؤسسه کوچك و کارخانه بی اهمیتی را سراغ دارید که در حدود وسعت و توانائی خود وسایل طبی وصحی عملجات و مستخدمین خود را فراهم ننماید، در این صورت کارخانهٔ که برای عملجات خود دوا وطبیب فراهم میاورد باید منت آن را بدوش مردم ایران بگذارد ؟

کمپانی نفت چه منتی گردن افراد ایرانی دارد ؟

در سال چند نفر کرو کور و شل و چلاق بیرون میدهد ؟ !

چرا سرجان سیمون احصائیه عملجاتی که فدای حرص و آز و منافع کمپانی نفت شده اند بعرض جامعه ملل نرسانیده است.

حقیقتا پرده پوشی و حقیقت کشی تا این درجه تاسف آور است !

مریضخانهٔ که کمپانی نفت دائر کرده در کجا است ؟ جز در آبادان ، در مسجد سلیمان و در اهواز در جای دیگر هم تاسیسات صحی دارند ؟

اکثریت ساکنین مسجد سلیمان عبارت از عملجات نفت ومستخدمین خود کمپانی هستند ساکنین آبادان را هم اکثریت عملجات و مستخدمین نفت تشکیل میدهند و در اهواز هم برای مؤسسات نفت و ادارات کمپانی مریضخانه دائر شده

پس این چه منتی است که سرجان سیمون بایرانی تحمیل مینماید .

مؤسسهٔ که بقول خودشان ۲۰ هزار نفر عمله و مستخدم دارد در صورتیکه به ۱۵ هزار نفر هم نمیرسد آیا بدون وجود مریضخانه مخصوص وطبیب و دوا ممکن است دوام نماید ؟

شاید سرجان سیمون توقع داشته است که عملجات کمپانی روزی سه چهار قران مزدی که در برابر تسلیم جان خود از کمپانی اخذ مینمایند باید خرج طبیب و دوا نموده و برای کمپانی مفت کار بکنند !؟

کمپانی نفت در کدام نقطهٔ عالم میتوانست عملجات را به این قیمت ارزان اجیر نماید و این همهٔ تحمیلات و کار های سنگین به آنها محول کند ؟ یکی ازمسائلی که توجه دولت را باصلاح امر جلب نموده استهمین وضعیت رقت بارکارگران کمپانی نفت میباشد که مکرر از طرف دولت به کمپانی تذکر داده شده و متأسفانه وضعیت آنها اصلاح نگردیده است .

کمپانی نفت از دو سال باینطرف دائره عملیات خود را در ایران محدود کرد ، شعبات خود را بست ، عملجات را مرخص کرد ، مستخدمین دفتری واداری ایرانی را جواب گفت و بالاخره کلیه مستخدمین و عملجات را تاحال تقریبا به نصف تقلیل داده است و این خود یك اجحافی بود که از طرف کمپانی نسبت به عملجات ومستخدمین ایرانی معمول گردید و کمپانی بدون ملاحظه و رعایت انصاف و اینکه مستخدمین مزبور سالها در خدمت کمپانی بوده ، استعداد و قوای خود را فدای منافع کمپانی نموده اند آنها را بدون حق و عدالت بیرون کرد .

یکی دیگر از مسائلی که تخلف صریح کمپانی ازهمان امتیاز نامه منحوس لغو شده محسوب میگردد این است که کمپانی بدون رعایت مواد امتیاز نامه مزبور مستخدمین و عملجات خود را رفته رفته از هندی و عراقی تشکیل داد و مخصوصا عدهٔ کثیری هندی در مؤسسات نفت مشغول کار شدند و با اینکه مکرر دولت ایران این تخلف کمپانی را گوشزد ساخت معهذا هنوز هم عدهٔ کثیری عملجات هندی در مؤسسات کمپانی مشغول کار میباشند ولی در سال جاری عملجات عراقی را کمپانی از لحاظ تقلیل کار و محدود نمودن دایره فعالیت و عملیات خود جواب گفت و گویا آنها را برای عملیات استخراجیه نفت موصل اعزام داشت .

گویا سرجان سیمون روی این موضوع هم پرده کشیده و صریحا اظهار کرده است که نود در صد کارگران غیر اروپائی شرکت ایرانی هستند ما تصور میکنیم احصائیه عملجات هندی و عراقی در دسترس ایشان قرار نگرفته است و الا این تصدیق را نمی نمودند .

بالاخره اگر ما بخواهیم تخلفات کمپانی را در اینجایگی یکی شرح بدهیم دوباره یك سلسله مطالب گفته شده تکرار خواهد شد و حال آنکه موضوع مذاکره امروزی ما نیست .

***

سرجان سیمون در آخر نطق خود اظهار نموده است **که در ماه دسامبر وضعیت وخیم بود زیرا دولت ایران که بر طبق مقررات امتیاز نامه مسئول حفظ جان و مال شرکت و کارکنان آن بود مکرر از قبول مسئولیت استنکاف ورزید و بنابراین مال وجان شرکت مابین طوایف شرارت پیشه دچار تهدید بود .»**

اگر این حرف را روز نامه های لندن میگفتند اینقدرها تعجب نداشت که وزیر امور خارجه انگلستان در جامعه ملل بخواهد اینطور افکار اعضاء مجمع را به یك عجائب و غرائبی مشوب سازد .

## رساله دفاع

**از امراض تناسلی.**

تالیف دکتر یحیی خان پویا از طبع خارج گردیده و فعلا در کتابخانه های **طهران ـ ابن سینا ودانشکده** بفروش میرسد با یکریال میتوانید یك جلد آن راخریداری نموده وباخواندن آن برای یك عمر خود را از خطرات گوناگون امراض مقاربتی محافظت نمائید .

نمره اعلان ۱۸۱۲

## آخرین یادگار ساسان

نمره اعلان ۲۰۰۲

درماه دسامبر چه وخامتی دراوضاع دیده میشد؟

دولت ایران کی از قبول و انجام یك تعهدات بین المللی سرپیچی نموده است و مطابق چه منطق ودلیل مال وجان شرکت درمعرض تهدید طوایف شرارت پیشه بوده است ؟

اینقدر هم خاطبمبت !

واقعاً از این اظهارات عجیب انسان گیج می شود !

دولت انگلیس در یادداشت خود نوشته بود که « **دولت انگلستان دولت ایران را مستقیماً مسؤل خساراتی که نسبت بمنافع کمپانی وارد آید و همچنین مداخلهٔ که در امور مؤسسات یا عملیات تجارتی آنها در ایران بشود ویاقصور دردادن حمایت کافی بکمپانی می داند** »

دولت ایران هم جواب داد « **در صورتیکه از یکطرف هیچ نوع شرکتی در عملیات کمپانی ندارند و از طرف دیگر هیچ نوع مزاحمت و مداخلهٔ در کارهای کمپانی نکرده ونمیکنند چگونه مسؤلیتی بر دولت ایران وارد خواهد بود ؟** »

معلوم میشود این جواب دولت ایران برای سرجان سیمون وارونه ترجمه شده است زیرا منظور دولت ایران تمام روی حسن نیت بوده و بهیچوجه نخواسته است مداخلهٔ در عملیات شرکت نماید که مبادا روزی مثلا سرجان سیمون این حرف را بزند باینجهت عملیات کمپانی را بحال خود واگذاشت ، هیچ دخالتی نکرد ، هیچ مزاحمتی برای اعضاء کمپانی و مؤسسات آن ها فراهم نبود بمنظور اینکه ثابت نماید که دولت ایران هیچ فکری جز تامین منافع ملی ومملکتی ندارد ، اما اینکه چرا مسئولیت را دولت قبول نمی کرد برای ثبوت همان حسن نیت بود چون عملا هیچ اقدامی ازطرف دولت در موضوع کمپانی بعمل نیامده وجلوی عملیات آن‌ها گرفته نشده ودخالتی بعمل نیامده بود دولت ایران نمی‌توانست خودرا مسئول پیش آمد های سوئی بداند مثلا اگر خدای نخواسته عمال کمپانی برای بهانه بدست دادن در مؤسسات کمپانی مبادرت بخسارتی می نمودند دولت ایران که مؤسسات و کمپانی را بهمان وضع سابق بحال خود باقی گذاشته بود چگونه میتوانست مسئولیت آن خسارت راقبول کند ؟

متاسفانه سرجان سیمون موضوع را طور دیگری تعبیر نموده وگفته است مال وجان اعضاء کمپانی درمعرض خطر وتهدید اشرار بود !

البته ایشان برای پیش بردن نظر خود حق داشته اند این حرف را بزنند ولی کسانی که آشنا بوضعیات ایران میباشند و از امنیت وآرامش بی نظیری که در ایران حکمفرما است اطلاعاتی دارند واز طرفی میدانند که دولت ایران خود را مقید بحفظ تعهدات بین المللی میداند اعتراف خواهند داشت که دولت ایران از لحاظ احترام به تعهدات بین المللی وظیفهٔ خود می دانسته است که نه فقط کمپانی نفت بلکه هر تاجر و هر کمپانی خارجی را که در ایران زیست میکنند مشمول حمایت خود قرار داده وجان ومال آنها را محافظت نماید و بهیچوجه درصدد شانه خالی کردن از زیر بار تعهدات بین المللی برنیامده است .

***

تصور میکنیم تااندازهٔ فکر خوانندگان محترم به اظهارات خارج از موضوعی که سرجان سیمون از لحاظ جلب افکار جامعه ملل در شورا اظهار داشته است روشن شده باشد اینك باید منتظر وصول اخبار تازه تری ازشورای ملل باشیم که مذاکرات آتی خودرا روی اطلاعات جدید قرار دهیم ودرعین حال امیدواریم جامعه ملل بامطالعات کامل در این موضوع قضاوت کرده وبپیوسته حقیقت را جستجو کنند و طرفداری خودرا ازحق و عدالت بثبوت رسانیده و بی طرفی خودرا بدنیا اعلام دارند .

تالیف انتون موهر - ترجمه رسول نخشبی

-۱٦-

## جنك نفت

تمام اینها کم و بیش اسباب بدبختی و مانع پیشرفت کار بودند بخصوص کمپانی دیگر نفت موسوم به کمپانی حمل و نقل و تجارت نفت شل (۱) که مدعی بود بزرگترین و مهمترین کشتی های انبار نفت را دارا است و در همان اوقات در دریای هندوستان مشغول عملیات بود مؤسس و مالك این کمپانی شخص انگلیسی بود موسوم به هنر مارکوس سموئل (۲) که یکی از آن مردان قابل و لایق و سخت ترین مرد در تجارت درمیان تجار لندن بشمار میرفت رابطه این آدم بانفت تازه و در ایام اخیر بوده تجارت اولیه او درصدفهای ماهی بوده ( در زبان انگلیسی صدف را شل گویند) و این اسم را در آنجا گرفته باسم کمپانی خود داده است چون از این تجارت منافع نسبتا زیادی بدست آورده بود سرمایه خودرا در تهیه کشتی‌های انبار بکار انداخته بود واز این راه باتجارت نفت مربوط شده بود بمرور بعضی امتیازات مهم نفت بدست آورده بود مخصوصا در بورنیو ( ۳ ) لذا در سال ۱۸۹۷ یکی از تجارت سابق خود دست کشیده و تمام قوای خودرا برای تجارت نفت وقف نمود

برای مدتی یك رقابت بسیار شدید وناگواری بین این کمپانی با کمپانی رویال دوچ شروع گردید یکی حمل ونقل نفت را عهده دار بود دیگری نفت را استخراج میکرد هیچ یك ذرهٔ تسلیم دیگری نمی‌شد بنا براین طولی نکشید که هر دو طرف خسارت جبران ناپذیر این رقابت زیان آور را درك نمودند بالاخره بخود آمده در سال ۱۹۰۲ باین مبارزه شدید خاتمه دادند و بین این دو کمپانی اصلاح گردید این‌ها یك کمپانی دیگری موسوم به« نفت آسیائی» (٤) تاسیس نمودند که تمام فروش نفت این‌هارا این یك کمپانی عهده دار شود و تمام کشتی‌های انبار نفت را باین کمپانی واگذار نمودند و سرمایه این کمپانی را به ۳ قسمت نموده یك قسمت را رویال دوچ یك قسمت را کمپانی شل قسمت سیم را شعبه مؤسسه روتشلد پاریس عهده دارشد

این عمل برای هردو کمپانی باندازه مفید و سود مند بود که مصمم شدند هردو متحد شده یك کمپانی تشکیل دهند این بود که در سال ۱۹۰۷ کاملا این دو کمپانی یکی شدند

کمپانی جدیدالتاسیس به کمپانی رویال دوچ شل موسوم گردید تقریبا شبیه بکمپانی استاندارد اویل نیوجرزی و همان عملیات آنرا هم انجام میداد و در همان تاریخ ( ۱۹۰۷ دو کمپانی فرعی تشکیل دادند یکی موسوم به« برتیش انگلوسا کسون پترولیوم کمپانی » (٥) دیگری « دوچ باتافشی پترولیوم ماتشا پئی » جز و هیئت مدیره کمپانی « دوچ با تافشی پترولیوم ماتشاپئی » هفت نفر از کمپانی رویال دوچ و ۳ نفر از کمپانی شل نماینده میباشد در حالیکه شصت صدم سرمایهٔ کمپانی انگلو ساکسون پترولیوم متعلق به کمپانی رویال دوچ است فقط چهل صدم دیگر متعلق به کمپانی شل بنا بر این اسما منافع رویال دوچ در هردو کمپانی بدون گفتگو تفوق دارد .

لیکن این را نباید چنان فرض نمود که سرمایه دوچ ( هلندی ) در خود کمپانی رویال دوچ این فزونی و تفوق را دارا میباشد محاسبه و راپورت های سالیانه آن نشان نمی دهند تا چه مبلغی از سرمایه متعلق بهلند ( دوچ ) وچه میزان آن متعلق بسرمایه های خارجی است ولی همینقدر فهمیده شده است که علاوه بر منافع فرانسه ( روتشلد ) منافع انگلستان نیز در این کمپانی خیلی زیاد می باشد و هم چنین آلمان ها هم در این کمپانی قبل از جنك ذینفع بودند.

در هر حال ظن قوی میرود منافع انگلستان بر سایرین فزونی دارد اگر چه نمیتوان اینموضوع را با اسناد و مدارك ثابت نمود چونکه حسابهای سالیانه ورایرت‌های آن مبهم میباشند .

تقسیم عملیات بین این دو کمپانی فرعی چنین میباشد کمپانی باتافشی هلندی اداره نمودن اثاثیه و اسباب و آلات و کار خانه های تصفیه و لوله های حامل نفت خلاصه آنچه که مربوط به استخراج نفت میباشد عهده گرفت و کمپانی فرعی دیگر انگلوساکسون انبار های نفت و حمل آنهارا پس از تصفیه عهده دار شد که توسط کمپانی آسیائی ستروليوم بمصرف فروش رسد .

با این تقسیم کار و تعیین شغل هریك باز هم مشکل است کار و وظیفه هریك را بدقت شرح داد چونکه عملیات طوری است که تمکیك آن خالی از اشکال نیست .

بطور کلی راپرت‌ها و خلاصه عمل کرد و توضیحات مالی سالیانهٔ که کمپانی رویال دوچ ـ شل هر ساله اعلان میکند حقیقتا آن اطلاعاتی که از عملیات خود بخوانندگان میدهند بسیار مختصر و خیلی کم است تمام اینها برای فهم اشخاصی که بصیرت کامل در اینموضوعات ندارند بسیار مشکل و بلکه غیر ممکن است از آنها چیزی فهمیده شود و هیچ عقیده و یا نظر قابل اطمینانی نمیتوان در باب نفع و ضرر آن پیدا کرد در صورتی که همیشه و مدام بکمپانیهای متعدد فرعی خود اضافه میکنند غالبا اسم کمپانی های آن از اعلان ورایرت سالیانه حذف شده است و اگر هم اسمی از آنها برده شود نفع وضرر آنها طوری تودر تو شده است که هیچ اطلاع صحیحی از آنها نمیتوان بدست آورد

حتی عده و اسامی کمپانیهای فرعی که در کمپانی رویال دوچ شل شامل میباشند برای مردم نا شناس میباشند

در « مجله اکونومیك بین المللی » (۱) سال چهاردهم آن در سال ۱۹۲۲ در جلد دوم صفحه ۷۳ - ۲۷۰ متخصص لزیکی این فن موژان لیورت (۲) اسامی یکصدوهجده کمپانی فرعی رویال دوچ شل را نشان میدهد اگر چه ممکن است این عده اغراق باشد ولی شك نیست که یك عده زیادی کمپانی های فرعی دارد و تمام این کمپانی در تمام دنیا منتشر میباشد مثلا عده از اینها را در قفقاز ـ وینیزولا (۳) ـ نوروج ـ چین ومصر پیدا میکنیم همانطور که میدان عملیات آنها وسیع میباشد کار های آنها نیز مختلف است

در میان اینکمپانیها عدهٔ هستند که فقط کار آنها فروش نفت میباشد مانند کمپانی« نورسك ـ انگلیش مینیرالزی »(٤) عدهٔ از آنها شغلشان عمل آوردن محصول نفت میباشد مثل « مکزیکان ایگل » (٥) و امثال آن علاوه بر اینها یك عده دیگر کمپانیهای لوله کشی میباشند برای کشتیهای انبار نفت و برای انبار نمودن نفت و برای تحقیقات معادن و منابع نفت کمپانی های جداگانه دارند و عدهٔ زیادی دیگر از کمپانیها مشغول انجام رشته های مختلف نفت میباشند که عدد آنها بیشمارند از آن قدم اول که عالم ومتخصص علم طبقات الارضی برای تحقیقات منابع نفت قدم بر میدارد و محل هائیکه تصور نفت در آنها میرود تحقیقات میکنند تا آخرین اقدام آن که نفت در سر راه

(۱) Revue Economique Internationale (۲) Jean Lepoutre (۳) Venezula
(٤) Norsk English Minerolji
(٥) Mexicon Eagle

(۱) The Shell Transport and Trading Company
(۲) Sir Marcus Samuel (۳) Borneo
(٤) The Asiatic Petroleum
(٥) British Anglo Soxon Petroleum Companis

خانواده طونیانس بایکدنیا اندوه و الم فوت نا گهانی

الکساندر خان طونیان

را که روز یکشنبه ۹ بهمن ماه اتفاق افتاده است بکلیه دوستان خود اعلام میدارد
مجلس ترحیم روزچهارشنبه نیم ساعت قبل ازظهر در مدرسه ارامنه ( خیابان نادری ) منعقد خواهد بود .
نمره اعلان ۲۰٤۸

خانواده میرزا یانس با تأثرات عمیقه باطلاع کلیه دوستان خود میرسانند که

الکساندر خان طونیان

روز یکشنبه ۹ بهمن ماه ساعت شش بعد از ظهر دار فانی را وداع گفت
مجلس ترحیم روز چهار شنبه ۱۲ بهمنماه پس از اجرای تشریفات مذهبی در کلیسای ارامنه نیم ساعت قبل ازظهر در مدرسه ارامنه منعقد خواهد بود
نمره اعلان ۲۰٤۹

# اخبار داخله

## هفتهزار تن جواز قند

بطوری که اطلاع یافته ایم تا امروزمعادل یکصد و نود و نه فقره از درخواست های واصله باداره کل تجارت راجع بورود قند جواز داده شده که معادل میزان بیست و یکهزار و ششصدوهفتاد خروار (۲۱۶۷۰۰۰ من ) میباشد (درحدودهفت هزار تن )

درخواستهای مزبور تقریباً از گمرکات مهم غرب وجنوب وشرق بوده است

جواز های صادره فوق راجع به هفتهزار تونقند از طرف اداره کل تجارت تسلیمدرخواست کنندگان شده واز قراری که اطلاع میرسداخیراً مقدار زیادی قند در سرحدات غرب وارد شده و نرخ آنرا تنزل داده است از گمرکات بوشهر - محمره - زاهدان نیزقریباً قند وارد خواهدشد

## سکته در انجمن بلدیه

دیشب آقای الکساندر خان طونیانس عضو انجمن بلدیه طهران در حین انعقاد جلسه غفلتاًبمرض سکته قلبی مبتلا شده ازصندلی پرت ودرفاصله ۵ دقیقه فوت می نماید .

از قرار معلوم سابقه نسالت و مرض قلبی نیز داشته اند

بمحض اینکه مشار الیه دچار سکته میگردد از طرف آقایان دکتر حکیم الدوله رئیس انجمن بلدیه و دکتر حکیم اعلم و آقای دکتر شیخمدیر کل بلدیه مشار الیه تحت معالجه قرار میگیرد ولی معالجات مؤثر نشده و در ظرف ۵ دقیقه وفات می کند .

در جریان این احوال از طرف بلدیهمراتب بخانواده ایشان و آقای میرزا یانس اطلاع داده شده دکتر داوتیان طبیب خانوادگی ایشان هم حضور یافته ولی آلکساندر خان آن موقع فوت نموده بودند ، آقای دکتر قزل ایاغ طبیبقانونی عدلیههمحاضر گردیدهوتشریفات معاینه قانونیبعمل آمده و جنازه را بمنزل شخصی آن مرحوم جهانگیربهحمل مینمایند که امروز مراسم تدفین بعمل آید .

در موقع حمل جنازه آقایان اعضاء انجمن و آقایان رؤساء دوایر بلدیه و عدهٔ از منسوبین طونیانس و غیره حضور داشته اند .

انجمن بلدیه بلافاصله تعطیل و جلسه آتیه بروز یك شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر موکول شد

***

بر حسب وقتی که تعیین گردیده جنازه به کلیسای ارامنه در خیابان دروازه قزوین حمل خواهد شد تا مراسم تشریفاتمذهبی بعمل آید و مجلس تذکری هم درمدرسهارامنه انعقادخواهدیافت .

***

الکساندر خان طونیانس سابقه ممتدی در خدمات ملی و معارفی دارد . مشارالیه در موقعی که مدیر کل تجارتخانه طومانیانس بود وتجارتخانه طومانیانس را اداره می کرد حسن نیت و دولت خواهی خود را به کرات بظهور رسانید الکساندر خان از اشخاص خوش فکر و خوش نیت و در امور خیریه همیشه پیشقدم بوده است مشارالیهعلاوه برعضویت درانجمنبلدیه ریاست هیئت مدیره مدرسه ارامنه را دارا بوده بعلاوه رئیس انجمن مرکزی انتخابات جنوب ارامنه بوده است- مابازماندگان فقید مزبوررا نسبت بدین واقعه تسلیت میدهیم .

## تغییرات پرسنلی اداره تجارت

بقرار اطلاع حاصله آقای پور والی رئیس کمسیون جواز واردات بوزارت امور خارجه منتقل و بجای ایشان از طرف اداره کل تجارت آقای احمد میرزا معزی بریاست کمسیون جواز واردات تعیین گردیده آقای میر سیدحسنخان طبیبیمتقاعد آقای ابوالفضل خان مشیری کفیل دایرهٔ استخدام منتظر خدمت و آقای کلانتری بریاست دایرهٔ استخدام تعیین و آقای میرزا وجیهالله‌خان کامکار مامور تفتیش ادارهٔ کلتجارت در خوزستانازخدمت منفصل گردیده است

## ریاست اداره سجلات وزارت خارجه

آقای فتح الله خان نوری اسفندیاری ( منظمالسلطنه ) رئیس سجلات وزارت امور خارجه که بسمت شارژدافری سفارت ایران درلندن انتخاب شده اند مشغول تهیه مقدمات حرکت خویش میباشد و قریباً سرویس خود را تحویل و عزیمت خواهند کرد .

بطوری که اطلاع یافته ایم بجای ایشان آقای پور والی رئیس کمسیون جواز که از اداره کل تجارت به وزارت امور خارجه انتقال یافته اند در نظر گرفته شده اند -

## تشکیل کمسیون

قبل از ظهر امروز کمسیونی مرکب از نمایندگان وزارتخانه ها و بعضی از ادارات‌دولتی در وزارت داخله تشکیل و مشغول تبادل افکارجهة تنظیم نظامنامه اجرائیه قانون تذکره بودند کهزودتر تهیه وبهیئت وزراء تقدیم شود

***

در نتیجه چند جلسه کمسیونی که برای‌تهیه نظامنامه وسایط نقلیه و عبور و مرور در وزارت داخله تشکیل گردیده بود یك‌قسمت عمده از مواد آن تکمیل و بقیه مورد مطالعه‌قرار داده شده‌است.

## توسعه امورصحی

بقرار اطلاع حاصله اداره صحیه‌کل مملکتی مشغول تهیه بودجه تفصیلی سال آینده خود گردیده برای توسعهٔ امور صحی مبلغی کافی اضافه اعتبار منظور گردیده که درصورت تصویب ازاول‌سال آتیه مشغول‌توسعه امورصحی گردند

## تخفیف مرض

مطابق اطلاع واصله مرض طاعون که در بیروت بروز نموده بود تخفیف کلی حاصل نموده است و از مرض مزبور آثاری دیده نشده ومرض تخفیف حاصل کرده است

***

وهمچنین‌مرض آبله که‌درطهران آثار آن دیده شده بود چندی است که براثرجدیت درتلقیح‌عمومی‌ازشیوع و سرایت آن جلوگیری شده و کاملامرض مزبور تخفیف حاصل و مدتی است که تلفاتی ازاین‌مرض دیده نشده است برای تلقیح عمومی در ولایات‌و نقاطیکه مرض آبله دیده‌شده بود جریان‌دارد واطبای ثابت‌وسیار مشغول کار هستند

## انتخابات درجز

حکومت درجز بوزارت تداخله تلگرافاً اطلاع میدهد که روز شنبه هشتم بهمن ماه طبق ماده ۱۴ قانون انتخابات ۳۶ نفر از طبقات شش گانه و معتمدین محل در اداره حکومتی دعوت باکثریت آراء آقایان ذیل :

شیخ عبدالرحیم حجة الواعظین - میرزا محمدعلی امام جمعه - میرزا اسمعیل ملا باشی - کربلائی جعفر- میرزا عبدالله سلیمانی - الله وردی کاظمی - حاجی عبد الجواد ارباب حاجی محمد علی ناظری - آقامحمد حسین صداقت بعضویت اصلی و آقایان حاجی سید ابراهیم تقوی - غلامرضاخالق زاده ابوالقاسم طاهری ملاهادی میرزا اسمعیل آقا میرزا میرحجتی - میرزا رحیم کامرانی محمدحسین ارباب آقاعلی اصغر توسل بعضویت علی البدل انجمن تعیین گردیدند

***

هیئت رئیسهبشرح ذیل انتخاب شدندحجة - الواعظین رئیس - امام جمعه نایب رئیس سلیمانی

# تذکر

خانم طلعت‌الدوله همشیره شاهزاده عبیدالدوله در مشهد مقدس برحمت حق واصل حالا بطهران خبر داده اند لهذا عصر سه شنبه ٤ شهرحال‌مطابق ۱۱ بهمن ماه در منزل معظم‌له مجلس تذکاری‌منعقد است برای اطلاع دوستان زحمت داد

نمره اعلان۲۰۵۳ **شعاع‌الدین قهرمانی**

***

بازماندگان آنمرحومه مخصوصاً آقای‌سلطان شرف الدین میرزا قهرمانی را نسبت باین مصیبت وارده تسلیت میدهیم .

---

کربلائی جعفر ملا باشی الله وردی کاظمی منشی انتخاب شدند .

## اعلان انتخابات آباده

والی ایالت فارس تلگرافا خبر میدهد که مطابق راپورت تلگرافی‌حکومت آباده اعلان‌انتخابات روز ششم بهمن درآباده منتشر موعد توزیع تعرفه از پانزدهم الی بیستم بهمن مقرر مامورین شعبات فرعی نیز روز هفتم اعزام گردیدند .

## پنبه سبزوار

حکومت سبزوار باداره کل تجارت رایرت میدهد که پنبه سبزوار دو رقم است یك رقم‌ازآن پنبه ایرانی و دیگری پنبه تخم امریکائی میباشد و قسمت اعظم محصول پنبه در سبزوار بتوسط ماشین پاك وعدلبندی میگردد وهرگاه از زارعین تشویق نمایند که تخم پنبه فیلستانی زراعت کنند فوائد آن زیادتر خواهد بود بطوریکه هرصد من تبریز پنبه‌فیلستانی بیست تاسی تومان باپنبه های دیگرتفاوت قیمت دارد .

## تنباکوی اصفهان

بقرار اطلاع واصله از هندوستان تنباکوی اصفهان در بازار هندوستان خریدار خوب دارد و قیمت آن ترقی نموده و در این اواخر تنباکوی مزبور صادر نمیشود ، و بطوریکه اطلاع می دهند در اصفهان مقادیر زیادی تنباکو موجود است که صادر نشده است ، در صورت تهیه وسایل برای صدور آن‌بهندوستان بقیمت خوب بفروش‌خواهدرسید

## معاون اداره راه آهن

برحسب ابلاغ صادره ازطرف وزارت طرق آقای نبوی بسمت معاونت اداره راه آهن‌مرکزی تعیین گردیدند .

## ورود مهندس

مسیو لیندآل مهندس‌راه آهن شمال‌بمرکز آمده است.

## مرض گاو میری

از سولده اطلاع میدهند که درقریه‌تاشکوه همجوار اسمیده مرض گاومیری چند روز استشیوع پیدا نموده و قریب ۲۵ گاو هم تلف شده مرض بشدت خود باقی تا کنون اقدامی برای جلوگیری آن نشده است .

## عملیات سیم کشی

از شیرازرایرت میدهند که عملیات‌سیم کشی تل خسروی تا آخر وقت هشتم بهمن ماه مسافت سیم کشی شده ۱۹ کیلو متر است .

## سربازگیری

رایورت تلگرافی شاهپور حاکی است که رئیس حوزهٔ ٤ نظام وظیفه دو روز است برای جمع آوری نفرات مشمولین وارد شاهپور شده‌است

## معاملات بازار

در معاملات بازار فقط تصدیق صدور رو به تنزل گذارده است علت تنزل هم گم‌شدن‌تقاضای خرید میباشد

امروز ۱٫۷۵ ریال (تومانی‌سی و هفت‌شاهی)بود مظنهٔ پوند ۱۰۳ ریال بودودلار۳۰٫٤ریال

# چند ورق از تاریخ ...

من تصور نمیکنم هیچ تاریخی بقدر تاریخ سیاست انگلیس اوراقش یك رنك و مندرجاتش‌مکرر نباشد ، ممکن است الفاظ و عبارات و اصطلاحات آنهم بمقتضای مصالح خودشان تغییر و تبدیل کند، ولی از حیث معانی هیچ تفاوتی ندارد ، مثلا من در نظر میاورم که وقتی ناپلئون بناپارت کهدنیائی را از آشوب و غوغای فاتحانه خود پرساخته بود و بعد از انکه در جنك معروف «واترلو» شکست خورد و بکلی دیگر مایوس از توقف در اروپا گردید تصمیم نمود که بامریکا عزیمت کند ، و از کار سیاست کناره گیری نماید ، ولی بزرگترین‌بدبختیهای او این بود که مجبور بود از یکی از بنادر انگلستان سوار کشتی - شده و از اقیانوس اطلس عبور و بامریکا برسد و مجبور شد که قبلا استجازه از دولت انگلیس نموده از سواحل اوعبور نماید انگلیسها بخوبی میدانستند که ناپلئون خوردشده دیگر ممکن نیست بتواند در سیاست اروپا رول عمدهٔ بازی کند ، ولینگتن انگلیسی فرمانده کلقشون دول متحدهٔ اروپا که برعلیه ناپلئون مجهز بودند بدولت متبوعه خود اطمینان کامل داده بود که بناپارت محو گردید . و برای انگلیسها هیچ ضرری نداشت که باو اجازه بدهند برود امریکا و لا اقل یك سطر از شهامت و عفو اخلاقی‌را در اولین‌فصول تاریخ قرن نوزدهم برای خود ثبت نمایند ولی سیاست آن ها تغییر ناپذیر بود اساس این سیاست غدر و مکر بوده بناپارت را اطمینان دادند تامینی که میخواست باو داده شد اما بمحض این که وارد آب های بریطانیای کبیر گردید او را خلع سلاح نموده بجای آن که اجازه دهند به امریکا برود او را تبعید به جزیرهٔ معروف سنت‌هلن کردند که هرکس یادداشتهای ناپلئون‌را که درآن جزیره ومحل تبعید گاه خود نوشته است قرائت کند بی اختیار متاسف می‌شود که یك دولت متمدنی اینقدر غدار و دور از عاطفه شفقت وترحم هم میشود ! ....

از تاریخ یك قرن و اندی باینطرف در گذرید اوضاع مصر را در نظر مجسم کنید ، ۱۲ سال‌است‌مصریها وعدهٔ استقلال تام و تمام داده‌شده،۱۲ سال است برای عقد قرار دادی با مصر مشغول مذاکره‌هستند ولی در ظرف این دوازده سال یك انس وباصطلاح ما یك ذره ازطمعخود گم نکرده‌اند .

هر وقت یك دولتی درمصر زمامدار امور گردید کمان کرد که میتواند در عقد قرار داد منظوره با انگلیسها کنار بیاید ولی همینکه وارد در اصل قضیه شدند دیدند فاصلهٔ اختلاف بین آنها خیلی زیاد است

یك روز مرحوم سعد زغلول پاشا خیال کرد که بالردملترنمایندهٔدولت‌انگلیس‌درباب عقدقراردادموافقتی حاصل خواهند کرد ، و همینکه طرح قرار داد مزبور تهیه گردید از خواب بیدار شدند که ثلث از مواد اصلی آن چنان تنظیم گردیده است که مصر را بکلی تحت الحمایه انگلیس قرار می دهد بعد از سعد زغلول پاشا عدلی یکن پاشا گمان کرد که میتواند با لرد گرزن کنار بیاید و استقلال مصر محرز خواهد شد ، ولی وقتی وارد در اصل قضیه گردید ، دید جز تحکیم اساس تحت الحمایه گی چیز دیگری نیست باز در کابینه دیگر سعد زغلول پاشا گمان کرد که با کابینه کار گری میتواند کنار بیاید باینجهة درسال ۱۹۲٤ به مایون وفد میگفت « از کار های خدائی اگر حزب کار گر در انگلستان زمامدار امور شود » ولی بعد از روی کار آمدن مستر رمزی ما کدونالد و ملاقاتی که سعد زغلول پاشا از او نمود ، بمصر مراجعت نمود و می گفت :

« اینها مرا دعوت بخود کشی و انتحار نمودند »

تلگراف ازاصفهان

# تقاضای مرکزیت دادن

## تجارت ایران وشوروی

توسط رئیس مجمع محترم تجار طهران مقام منیع هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم کبیه ایران کبیه اطلاعات وضعیت اسفناك تجارت امروزه مملکت که در اثر سوء رفتار وتضییقات مؤسسات تجارتی شوروی تولید شده مؤجب خسارات عظیمه تجار مملکت گردیده و چنانچه در تمام مملکت لطمات کمرشکن بقسمت اعظم صادرات وارد آمده که باالنتیجه تاجر و زارع از هستی ساقط آدامه بیك چنین وضعیتی غیر قابل‌تحمل است وچارهمنحصر بفرد همانا تصمیم مقدس وطن پرستانه ایست که ازطرف مجامع تجارمرکز وولایات‌اتخاذگردیده بنا براین‌مجمع تجاراصفهان باسایر مجامعمملکتهم آوازشده اعلام میدارد که یگانه راه استخلاص از وضعیت کنونی منحصر به تمرکز دادن معاملات در ایالات و ولایات است با موسسات شوروی و عموم تجار از معاملات انفرادی با مؤسسات تجارتی شوروی که تا بحال مضر باوضاع اقتصادی مملکت بوده خود داری خواهند نمود از اولیاء معظم دولت‌اعلیحضرت شاهنشاهی بذل توجه مخصوص را استدعا داریم از طرف عموم تجار اصفهان امین کسائی قزوینی رحیم زاده امامی تبریزی فیض حرانیان

---

« ما هم زیر بار انتحار وخود کشی نرفتیم ! »

ثروت پاشا هم روی کار آمد و کاری نتوانست انجام بدهد ، آخرین آنها نحاس پاشا بود ظاهراً قرار داد مطلوبه تهیه ولی همینکه به نقطه « سودان » رسیدند امضای انگلیسها تغییر کردزیرا بمصر تکلیف کردند از سودان صرف نظر کند . مصر هم زیر بار نرفت چرا این تکلیف را به مصر کردند ؟ واضح است برای این که بقول مخبر روزنامه دایلی میل کارخانجات لانکشیر احتیاج به پنبهٔ سودان دارند . و چون لانکشیر انگلستان احتیاج به پنبهٔ سودان دارد ، استقلال‌یك ملتی آزاده و کهن‌سال قربانی آن احتیاج‌میشود ! این قربانی خیلی دردناکتر از تبعید ناپلئون به جزیرهٔ سنت هلن میباشد ولی اصولا از نظرسیاست انگلیس یکی است .

در هندوستان هم همینطور ، بمحض اینکه دیپلماسی انگلیس احساس میکند طوایف هندوستان میخواهند دست‌ائتلاف واتحاد بهمدیگر داده واستقلال خود را تقاضا کنندآنوقت یك انگشت کوچکیبسر بچه مسلمانی یاهندوئی در یکی از کوچههای‌بمبئی رسانده آن پسر بچه با فلاخن بازی خود فرضا سر یك هندوی فقیر یا مسلمان راهگذری راشکسته، ودر دنبال آن جنك خونین هندو و مسلمان شروع صدها نفر در این زدو خورد خانگی قربانی همان دیپلماسی میشوند ، اینهم با خفه کردن روح‌استقلال مصریان هیچ تفاوتی ندارد ، دیپلماسی انگلیس عملا این درس‌را میدهد ولی بصورت ظاهر بیرقدار صلح جهان ، طرفدار اصل « بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» وصدها اصول مشعشع دیگر میباشد .

اگر قادر بودند تاریخ را عوض کنند عوض میکردند ولی خوشبختانه بان اندازه ها قادر نیستند ، هر ورقی ازتاریخ سیاست انگلیس‌یك‌صورت رنگینی دارد که تمام حکایت ازیك اصل عجیب‌میکند: « برای حصول‌مقصود بهر وسیلهٔ باید متشبث گردید»

این اصل راهم مدتهاست عمل میکنند ، بهر وسیله برای حصول مقصود دست میزنند ، **بنابراین تعجبی از مداخله آنها درقضیه کمپانی نفط نیست** ، و بهمین جهة هم امید واری حاصل است که محیط صلح طلب شورای جامعهٔ ملل آب پاك راروی دست آنهار ریخته امررا مراجعه بمحاکم‌ایران بدهند . .

**ف.ك**

---

بقلم‌آقای سعید نفیسی — -٤٥-

# فرنگیس

فکر روانست ، الفاظ بنیروی خود بر صحیفهٔ کاغذ می نشیند ، مناظر را رسم میکنند ، احساسات را می‌آموزند، اندیشها را ترجمانی میکنند ، یکی چند صحیفه ارمغان می‌آورند. هرکسی این صحایف را بخواند باشادی یا اندوهی که در نوشتن آن بکار رفته است انباز می شود ، اگرنویسنده در حین نوشتن لب خند زده باشد خواننده نیز متبسم می شود و اگر گریسته باشد خواننده‌نیز در همانجائی که اشك فروریخته وکلمه‌را شسته است ، سرشکی دیگر از دیدگان خود می نشاند .

ای سیم اندام ماه سیمای که مشایعت کننده تمام سطور من و استقبال کنندهٔ تمام اندیشه های‌منی ، من برای تومینویسم اگر تو نبودی من هرگزقلم‌بر نمی گرفتم .

ای چهرهٔ مهتابی رنك که اروان باریك کشیدهٔ تو ازین کلمات من پذیرائی می کنند و هرسطر آنرا با غمزه ای دگر از دیدگان جادوفریب خویش تصدیق می کنی این کلمات برای تست .

ای چشمان سیاه آهووش که بارقهٔ نیکوئی از نگاههای تو میدرخشد من این سطور را از آن مینویسم که هر گز آثار نیکوئی ترا از محیط خویشتن دور نکنم .

مرا چه زیان که خوانندهٔ ای نداشته باشم ، خوانندهٔ من توئی و توئی که مرا بنوشتن‌وادار میکنی . من که بردرشاهان نیمروم دربرابر تو زانو می زنم .

گونه برای که سرود می گفت ؟ ویرژیل در آغاز جوانی ، هنگامی که شبهای مهتاب در بیرون شهر مانتو راه میرفت و با خویش زمزمه می کرد ، خطاب او با که بود ؟ برای که آواز میخواند ؟

آندره شنیه هنگامی که در زندان هیامبر مرگرا از دور میدید که لوشهٔ گورستانرا بوی می‌نماید ، در سراچه نزدیك خویش وجود کرا احساس میکرد که حتی بر مرك‌خویش مرثیه‌سرائی نمی کرد و اوزان و فراق خودرا درنوحهٔ وی بکار می‌برد ؟

فردوسی پیر یارسا مگر کرا دیده بود که در میان نبردهای رستم و سهراب و اشکبوس یك باره یاد گیسوان آبنوسین‌میافتاد و چشمان خونریزی را در پهنه میدان رزم داخل می کرد ؟

حافظ در میان نماز در اندیشه که‌بود که خم ابروی ویش بیاد آمد و محراب فریاد زنان از جا ی بر خاست ؟ از که می‌خواهد که خیال خویش را بفرستد و ببیند که بی او چون خواهد خفت ؟

عمر خیام جوانی‌را در راه که میخواست که از طی شدن نامهٔ شباب خویش اشك میریزد ؟

من هم چون وی امید دراز خویش‌را برخم ابروی‌تو بسته‌ام و امید است که دست من ازین دست آویز زندگی کوتاه‌نگردد

## مکتوب چهل و نهم

« یاد باد آنکه رخت شمع طربمی افروخت »

« وین دل سوخته پروانهٔ ناپروا بود. »

**فرنگیس دل‌آرای من ،**

هنوز نغمه های شب‌جمعه تودرگوش من هست .

اگر بخواهی فرو تنی کنی باز اصل مسلمی در جهان زیبائی هست وآن اینست که پری چهرگان دلارام که خندهٔ آنها دل ونگاه ایشان جان را می‌رباید هرچند کسی بنیکوئی ایشان پی نبرد بازخودبحسن‌خویشتن آگاهند و چون رو بروی آبگینه ای بایستند وبچهرهٔ دلفریب‌خود بنگرند لبخندی از روی ستایش وآشنائی میزنند .

نغمه های جان‌بخشی که شب جمعه از زیر انگشتان سیمین تو برون می‌ریخت هنوز ارتعاش عجیبی در دل و جان من دارد هرچند که من درموسیقی ناتوان ترین مردم روزگارم ولی میتوانم ادعا کنم که یکی ازآشنا ترین‌کسانم ، زیراکه طبع نیمه شاعری دارم ، همچنان که ازشنیدن شعر خوب شاد می شوم همچنان هم ازشنیدن آهنگهای موسیقی لذت می برم. همچنان که دوست دارم این قلم من باچشمان سیاه دلدوز تو عشق ورزی لند هم چنان هم‌دوست دارم که گوش‌های‌من عاشق‌نغمه‌های‌دلستان‌تو باشند .

از آغاز کودکی همواره شنیدن هرگونه آواز فرح انگیز رادوست داشته ام . نغمه های مرغان زندباف ، زمزمهٔ باد ها ، آواز وزش نسیم ها ، آهنك یك نواخت جنبش شاخ و برك درختان ، آواز جریان آب در جویبار ها وغلطیدن موجهای دریا بروی یکدیگر ، بانك فرود آمدن آبشار همیشه گوش‌مرا نوازش داده است .

اما با این همه آشنائی کجا می توانم چیزی بمهارت انگشتان سیمین تو بیافزایم، فقطمی خواهم‌حاشیه‌ای‌بر آن‌بنویسم .

ساعت های متمادی از شب جمعه گذشته ولی هنوز آهنك های تو در گوش من هست وحرکات انگشتان لاغر ترا از چشم خویش دور نگرده ام . درین صورت هرچه بنویسم در قلمرو ماضی ودر سر حد گذشته نیست بلکه از دایرهٔ زمان‌حال خارج نخواهد بود .

روح من روح سرکش لجوجی است که بهیچ وجه تکرار گذشته را دوست نمی دارد . همچنان که قلم موی آن نقاش را برای تقلید از پرده های دیگران دوست نمی دارد ، هم چنان که طبع آن شاعر را برای پیروی و استقبال از گفتهٔ پیشینیان قدری نمی‌گذارم و قلم آن نویسنده را برای رو نویس کردن و اقتباس کردن از اثر این و آن نمی پسندم ، همچنان هم نغمه های موسیقی را که از آغاز کودکی شنیده ام نمی‌خواهم باز بشنوم . بقدری پای این روح خود سر خود را بیالهٔ بالا گذاشته‌ام که اگر باطاقی اندر آیم و ببینم که تمام اثاثیه آنرا مرتب چیده اند از آن اطاق دلگیر می‌شوم.

فرنگیس من ، موسیقی ترا از آن دوست می دارم که این روح سرکش را خرسند می کند . تو نصرفاتی از خود کرده ای که دیگران ندارند. موسیقی باستانی ما را بایداصلاح کرد . تا کنون موسیقی‌ایرانی در نظر من معشوقه ظریف‌زیبائی است ، با قد کشیده ، گیسوان انبوی آشفته ، دیدگان سیاه دل دوز ، رنك مهتابی ، انگشتان لاغر ، میان باریك ، یعنی راستی مظهری از زیبائی های تست ولی دریغا که بااین همه نیکوئی چون دختران تارك دنیای عیسوی ، همواره جامهٔ سیاه مصیبت دربر دارد . باید جامه قشنگی از پارچه زربفت به تناسب‌اندام و درخور زیبائی‌او باوپوشانید وتاجی‌درخشان ازگوهر های‌قیمتی برسراو نهاد

تو ، ای پریچهرهٔ طناز ، هنگامی که با روی گشاده و نگاه های جانفزای وارد اطاق میشوی خود نمیدانی که دل های بینندگان را چه حال پیش میاید ، دل های نظارگان تو می دانند که چها میکشند ، همان طور هم چون انگشتان لاغر خویش را به نغمه پردازی میگماری خود نمیدانی که چه بیداد میکنی ، ارواح‌شنوندگان تومیدانند کهزخمه‌های‌تو چگونه‌تار وپودهای وجودرابهم آمیخته میکند

# اخبار خارجه

**از سازمان دولتمران مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳**

## بازگشت سرجان سیمون به لندن

ژنو - ماتوسوپا روز پنجشنبه قبل از این که سرجان سیمون وزیر امور خارجه دولت بریطانیا به لندن مراجعت نماید مدتی صحبت میکرد .

***

**خبر بعد ۲۹ ژانویه** — دیشب سرجان سیمون بطرف لندن حرکت کرد تا ۲۶ فوریه برای نمایندگی انگلستان در کمسیون خلع سلاح به ژنو بازگشت نماید .

**از برلن** مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳

### علت استعفای کابینه آلمان

کابینه فن‌شلایخر استعفای خود را تقدیم رئیس مملکت آلمان نمود و مورد قبول واقع گردید . هیندنبورك صدر اعظم کنونی را مامور انجام کارهای جاری نمود و بلا فاصله فن پاپن صدر اعظم سابق را احضار ومتار الیه را مامور نمود که برای روشن ساختن وضعیت‌سیاسی با روسای احزاب داخل‌مذاکره گردد . بموجب ابلاغیه رسمی فن شلایخر درضمن مذاکره با رئیس مملکت چنین اظهار داشت که‌دولت فعلی با نداشتن جنبه حزبی موقعی میتواند پرگرام خود را تقدیم مجلس نماید و از نظریات خوددفاع نماید که رئیس مملکت آلمان حکم انحلال مجلس را صادر وباختیاروی وا گذار نموده باشد . ولی هیندنبورك اظهار نمودکه با وضعیت کنونی‌متار الیه نمیتواند با این پیشنهاد موافقت نماید .

در تعقیب رد تقاضای صدر اعظم از طرف ریاست جمهور فن شلایخر استعفای کابینه را تقدیم داشت .

### تعویق تشکیل ریستاك

برلن - درتعقیب بحران دولت تشکیل‌مجلس ریستاك که قرار بود برای شور در پرگرام دولت روز سه شنبه بعد از ظهر تشکیل گردد بعهده تعویق افتاد .

### استعفای کابینه فرانسه

پاریس - کابینه پول بونکور استعفا داد . با وجودیکه تقاضای رأی اعتماد ازطرف رئیس‌دولت شده بود معهذا مجلس ملی فرانسه ماده ۶ پرگرام مالی‌دولت را با کثریت سیصدونود ویك رأی‌درمقابل ۳۹۵ رأی رد نمود . درماده مزبورافزایش مالیاتهای مستقیم از قرار پنج در صد پیش بینی شده بود .

### افزایش تعداد نظامیان وظیفه در چکواسلواکی

پراك - هیئت وزرای چکواسلواکی تصمیم گرفت‌برای مدت پنج سال سالی پنج‌هزار نفربتعداد نظامیان وظیفه بیفزاید .

### موفقیت زنان در انتخابات بلدی اسپانیا

مادرید - از نتیجه انتخابات بلدی معلوم میشود که در پنج ناحیه واقعه در (سن سباستیان) زنها با جدیت فوق العاده در انتخابات شرکت‌نموده و ریاست اداره بلدیه را برای خود تامین نموده‌اند .

### اشکالات تشکیل کابینه آلمان

برلن - فن پاپن صدر اعظم سابق آلمان که پس از استعفای فن شلایخر مجدداً از طرف رئیس‌مملکت آلمان‌مامور تشکیل کابینه جدید گردیده بود روز یکشنبه هیندنبورك را ملاقات و پس از عرض راپورت اقدامات موقتی خود وعده داد تا روز دو شنبه نتیجه قطعی را بعرض برساند .

محافل مطلع سیاسی چنین اظهار عقیده مینمایند که فن پاپن تاکنون فقط سعی نموده است مجددا فروتنی از حزب (هوکنبرك) تشکیل دهند ولی هنوز نتیجه قطعی نگرفته و مذاکرات دسته مخالف مرکب از حزب ملیون سوسیالیست و حزب مرکز و حزب عامیون باویر برای تشکیل یك دولت اکثریت داری تحت ریاست هیتلر با موفقیت زیادتری در جریان میباشد . حزب عامیون آلمان و مسیحیون سوسیال حاضرند از چنین کابینه تقویت نمایند در صورتیکه فن پاپن و ملیون آلمان در آن شرکت نداشته باشند . ولی مذاکرات مزبور نیز بدون اشکال نیست .

### کابینه جدید فرانسه

پاریس - (لوبرون) رئیس‌جمهور فرانسه(دالاویر) وزیر جنك فعلی‌را مامور تشکیل کابینه جدید فرانسه نمود . مشار الیه که جزو جناح چپ را دیکال سوسیالیست میباشد فورا مذاکرات خودرا بااحزاب شروع و پست‌های زیادتری برای سوسیالیست ها در کابینه جدید در نظر گرفته است .

### جاسوسی در اداره پست بوکارست

بوکارست - در نتیجه تفتیش فوری و غیر منتظره که در اداره مرکزی بوکارست بعمل آمد یك مرکز مهم جاسوسی که برای مقامات روسی مشغول کار بود کشف گردید نزد یکعده زیادی از اعضا مقداری اسناد و سواد مراسلات مهمی که از طرف اعضای مزبورباز گردیده بود کشف گردید که در شرف ارسال آن بسرحد روسیه بودند . درنتیجه


## امشب

دواخانه هائی که در ( شب ۱۱ ) ماه جاری تا صبح‌برای‌رفع احتیاج اهالی‌محترم پایتخت‌بر حسب تعیین تشکیلات کل نظامیه مملکتی کشیك دارند بقرار ذیل است :

| ناحیه | اسم دواخانه | محل دواخانه |
|---|---|---|
| ۱ | نیکخواه | خیابان‌ناصریه |
| ۲ | فردوس | « چراغبرق |
| ۳ | طاطاوسیان | چهارراه‌عزیزخان |
| ٤ | رهنما | خیابان‌شاهپور |
| ٥ | اعتبار | سر آب‌وزیر |
| ٦ | خصوصی | بازارچه‌حاجی‌غلامعلی |
| ۷ | بولس | خیابان‌عین‌الدوله |
| ۸ | غلامرضاخان | جنب کمیساریا |
| ۹ | بین‌المللی | خیابان‌سیروس |

**بواسطه‌کسالت از شرکت درکنسرت الهه موسیقی در سالن سپه معذور و درعوض خانم نیر اعظم شرکت نمودند .**

نمره اعلان ۲۰۵۱ **ع - روح بخش**

## اعلان

یك دستگاه پیانو **پلیل** بسیار اعلا بقیمت مناسب بفروش میرسد آقایان طالبین و اهل ذوق برای دیدن پیانوی مزبورو هر گونه اطلاعات راجع بخرید آن در خیابان اسلامبول به شیرینی فروشی شرکت ابوالفضل مراجعه فرمایند . نمره‌اعلان ۲۰۵۰


کشف مزبور پنجاه و دو نفر دستگیر گردیدند که ۲۲ نفر آنها از اعضای پست مرکزی میباشند از اسنادی که بدست آمده معلوم میشود که تشکیلات جاسوسی مزبور مدت ۸ ماه است که عملیات خود را شروع نموده .

### تهدید ژاپن

تو کیو - روزنامه ( میچی - میچی )اطلاع میدهد که نماینده نظامی ژاپن در کنفرانس خلع‌سلاح بوزیر جنك راپورت داده است که من بعد نتیجه ندارد درکنفرانس مزبور شرکت نمود زیرا که از قرار معلوم جامعه ملل درنظر دارد راپورت‌منچوری را که برای ژاپن غیر قابل قبول است تصویب‌نماید نماینده ژاپن در جامعه ملل نیز راپورتی باین مضمون بوزارت امور خارجه ارسال داشته است

**از رویتر** مورخه ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳

### مغلوبیت هیئت دولت فرانسه درپارلمان

پاریس - ۲۸ - پس از جلسهٔ که تمام شب‌را شامل‌بود هیئت دولت فرانسه براثر پیشنهادات راجع باعاده‌توازن مالی با کثریت ۳۹۰رای درمقابل ۱۹۳رای مغلوب‌شد واستعفاداد

### عزیمت سفیر کبیر انگلیس بلندن

لندن - ۲۸ - سرردنالد لیندزی‌سفیر کبیر انگلیس در واشنگتن برحسب تقاضای دولت خود به لندن مراجعت مینماید تا موضوع قروض جنك را حضوراً مطرح مذاکره قرار دهد سفیر کبیرمزبور روز ۳۱ ژانویه از نیویورك باکشتی عزیمت‌خواهد کرد ودرغیاب او مستر دارسی اوسبورن شارژدافر سفارت خواهد بود

### برای مشاوره بارئیس جمهور امریکا

واشنگتن - ۲۸ - سفیر کبیر انگلیس برای مذاکره و مشاوره با روزولت رئیس جمهور منتخب آمریکا که در نیویورك است پیش از ظهر از واشنگتن بانجا پرواز کرد .

### وضعیت انتخابات ایرلند

لندن - ۲۸ - نتایج انتخابات ایرلند هنوز کامل نیست ولی نتایجی که بعد معلوم شود احتمال ندارد که موجب تغییر قوت نسبی احزاب شود . ظهر امروز که هنوز ۱۷ نفر از وکلا معلوم نشده بودند وضعیت احزاب بقرار ذیل بود : حزب دوالرا ٦۸ رای - حزب کاسگریو ٤۲ رای - حزب کارگر ۸ رای - حزب مرکز ۹ رای - حزب مستقل ۸ رای - حزب کارگرمستقل ۱ رای

### راجع باختلاف چین و ژاپون

کار های کمیسیون فرعی ۹ نفری که از هیئت ۱۹ نفری جامعه ملل برای رسیدگی باختلافات چین و ژاپون در مسئله منچوری تشکیل شده پیشرفت خوبی دارد و در ژنو احتمال میدهند که تا اوایل هفته آتیه راپرت مربوطه تدوین شود بقرار معلوم راپرت تماماً در یك سند واحدتدوین شده وشامل تاریخ وقایع منچوری تا دسامبر ۱۹۳۱ خواهد بود

### کشت چغندر

اداره صناعت و فلاحت مشغول اقدام برای زراعت چغندر گردیده مقدار کافی بذر و اراضی باشخاص داوطلب زراعت مزبور داده شده است که مشغول کار شوند و اکنون مشغول تهیه مقدمات‌امر گردیده اند که بمقدار کافی چغندر زراعت شود

### ورود پست

از توره راپورت میدهند که هوا منقلب و پست طهران و اهواز که دوروز بوده عقب‌افتاده بود وارد ومبادله گردید .

بقلم کاندهی

## مهاتما کاندهی در لندن

« مقالهٔ که ذیلا بنظر خوانندگان می‌رسد »
« کاندهی بقلم خود نوشته و شرح زمان تحصیل »
« خود را در لندن میدهد که چگونه در لندن »
« زندگی میکرده و قرائت آن مخصوصا برای »
« محصلین خالی‌ازفایده نخواهد بود- م. »

دکتر « مهتا » باطاق من وارد ، و پس از دقت در اثاثیه و محتویات آن سر را بعنوان عدم رضایت تکان داده و گفت : « این خوب منزلی نیست - ما تنها برای درس خواندن بلندن نیامده ایم ، ما بیشتر برای این آمده ایم که حیات و زندگی و عادات انگلیسها را مطالعه کنیم و باینجهت بر تو لازم است که در میان خانوادهٔ زندگی کنی ، ولیکن پیش از آنکه باین کار اقدامی بعمل آوری گمان میکنم بهتر آنست که تو را بیکی از دوستان خود بسپارم که نزد او زندگی را بیاموزی وسر مشق بگیری »

این پیشنهاد را پسندیدم و فوراً منتقل به منزل این دوست شدم‌دوست مذکور آدمی هوشیار و سر مشق رأفت و مهربانی بوده . برادرانه بامن رفتار نمود و شروع کرد اصول رفتار و سلوك انگلیسی را بمن بیاموزد ولی غذای من موضوع مشکلی شده بود ، بجز سبزیجات بچیز دیگر میل نمی کردم و میزبان من متحیر مانده بود که چه غذائی برای من تهیه کند ، غذای شب کافی بود ولیکن در غذای ظهر و عصر احساس گرسنگی در خود مینمودم این دوستی که دکتر « مهتا » مرا باو سپرده سعی کرد که مراتشویق بخوردن گوشت نماید ولیکن همواره عهدی را که در نخوردن لحومات با مادر خود نموده بودم‌باو گفته و ساکت میشدم در غذای ظهر وعصر عادت بخوردن اسفناج و نان ومربا پیدا کرده بودم ، اشتهای من غالبا زور آور میشد ولیکن خجالت می کشیدم که بیشتر از دو یا سه قطعه نان بخواهم ، ومعتقدبودم که حسن ذوق و یا ادب و نزاکت حکم نمی کند باینکه غیر از این طوری دیگر رفتار کنم . شیر را فقط صبحها میخوردم ، یك روز دوست من از این حال عصبانی شده گفت :

- « اگر تو برادر من بودی فوراً امر میکردم چمدان خود را بار بندی کنی ، قدر وقیمت این عهدی که با مادری جاهل و نادان از مجاری احوال سته ای چیست ، این عهد نیست که‌توبسته‌ای و در برابر یك محکمه قضائی عهد معتبر وصحیحی شمرده نمی شود ، و اینطوری که خود رایای‌بست یك همچو عهد کرده ای جز وهم و خیال پوچ چیزی دیگر نمیباشد ، و این پایداری تودر این‌عهد هیچگونه فایدهٔ بتو عاید نخواهد داشت ، تو خود اعتراف بخوردن گوشت و چشیدن آن کرده ای و اینکار را در وقتی کردی که خوردن گوشت در آن موقع و مکان ابدا ضروری نبود ، ولی در یك همچو وقتی که بخوردن آن نیازمند هستی از آن امتناع میورزی » ولیکن من همچنان در قول و عهد خود پایدار مانده و از سرسختی خود عدول نکردم .

بسا میشد که این دوست مدتی وقت خودرا صرف اقامه دلیل و برهان قول و گفته های خود مینمود ولیکن یك قوهٔ سالبه و منفی در روح من ریشه دوانده بود که هرچه او بر صحت و درستی عقیده خود با قامه دلیل و برهان می پرداخت باآن قوه مواجه شده و دلایل اورا جواب میگفت هرچه بیشتر در گفته های او امعان نظر مینمودم زیاد تر در عناد و لجاج خود استوار میگردیدم وهمه روزه برای خدا نماز میخواندم که مرا حمایت کند ، حمایت هم کرد من هیچ عقیده روشن و فکر بین در بارهٔ خدا نداشتم فقط مجرد ایمان نسبت باو بود که اثر درمن کرده بود واین ایمان بدون برهان ودلیل را مربی من در من ایجاد کرده بود .

در خلال گردش خود در شهر یك‌مهمانخانهٔ برای نباتیان ( مقصود از مهمانخانهٔ نباتیان محلی است که فقط خوراك غیر از حیوانی تهیه نموده‌برای مردمی که فقط معتقد بخوردن سبزیجات و اغذیه غیر حیوانی هستند ) در خیابان فرنجدون دیدم بمحض دیدن این‌مهمانخانه یك تکان مسرورانه در روح‌خود احساس کردم ، بعینه مثل اطفالی که در موقع‌تفحص چیزی پیدا کنند که دل پاك آنها میخواسته است همینطور خوشحال شدم . پیش ازآنکه داخل‌مهمانخانه شوم از پشت شیشه کتابهائی نگریستم که برای‌فروش عرضه نموده بود ، و ازبین این کتب کتابی که‌عنوانش « دعوت بزندگی نباتی بود » بنظرم رسیده آن را بیك شلینك خریده وارد مهمانخانه شدم و در آنجا برای اول مرتبه یك « پرس » غذا خوردم که از زمان ورود بلندن تا آنوقتم همین یك « پرس » غذا مرا راضی نمود و احساس کردم به اینکه خدا مرا یاری نموده و دست مرا گرفته است کتاب مذکوررا ازالف تاباخوانده وکاملا درمن تأثیر نموده وهمینکه آنرا خواندم بالاختیاریك‌شخص‌نباتی‌شدم . و آن روزی را که با مادر عهد کرده‌بودم حیوانی و گوشت نخورم روزی پیرور شمردم من پیش از خواندن این کتاب عهد مادر را احترام‌نموده وقولی که باو داده بودم مقدس می‌شمردم ولیکن ازصمیم دل مایل‌بودم که هرهندی گوشتخوار بشودوانتظار داشتم که موقعی برسد که منهم یك نفر از همان‌هندیان شوم که به آزادی کامل‌این‌میل‌قلبی‌را آزمایش‌نموده و دیگران را هم باجرای آن دعوت نمایم ولیکن پس از خواندن این کتاب اختیارا من یکنفرنباتی شده و تمام توجه خود را برای دعوت دیگران به زندگی نباتی صرف نموده حاضر بودم در راه این دعوت فداکاری هم بنمایم .

بنظرم چنین برسید لباسهائی که از بمبئی با خود همراه آورده ام چندان متناسب با ذوق جامعه انگلیسی نیست آنها را با لباس دیگری‌ازمغازه های قشونی و بحریه تبدیل نموده یك کلاه‌ابریشمی خریدم که نوزده شلینك تمام شد و باینقدر اکتفاء نکرده ده لیره هم در راه لباس شب نشینی‌بمصرف رساندم که آن‌را از مغازه‌در بوندا‌ستریت خریداری کردم و به برادرم نوشتم یك زنجیر طلاهم برای من ارسال دارد و ملاحظه نمودم که این حسن ذوق نخواهد بود که « پاپیون » ساخته وآماده بز نم . و باینجهة طرز گره زدن پاپیون بعداز چندین مرتبه مشق بیاموختم . در هندوستان عادت زیاد به نگاه کردن در آینه نکرده‌بودم بلکه آینه نزد ما از چیزهای لوکس و تجملی بود ،و فقط در آن روزهائی که دلاك خانواده برای اصلاح‌سر و صورت میاید ، در همان روز سر و صورت‌خودرا در آینه می‌دیدم ولی در لندن هر روز ده دقیقه وقت خودرا در مقابل آینه بزرگی صرف میکردم و درآینهٔ نگاه‌میکردم که چگونه باید گره کراوتر را زد و سررا بطرزی که مألوف و معتادلندن است شانه زد موی سر من نرم نبود و هر روزصبح با شانه و ماهوت پاك کن و موی‌سر جنگی در گیر بود و بقدری با شانه و «برس» موی سررا صاف میکردم تا آنکه بطور منظم و مرتبی بخوابد و جنك تمام میشد ، و در هر موقعی که‌میخواستم کلاه‌را از سر بردارم و یا آنکه مجدداً بر سر گذارم دستدرا بیك طرز اتوماتیکی برسرمیکشیدم که موی سررا از انتظام خود خارج نساخته‌وترتیب آنرا برهم نزنم اینها کافی نبود ، توجه خودرا بتفاصیل دیگر معطوف داشتم و چنین نزد خود فرض میکردم که‌اگر آن تفاصیل‌را من‌بخوبی‌یادبگیرم خواهم توانست که با آموختن و اعتیاد بان ها یك آقای بزرگوار و حسابی یا آن که به قول انگلیسها « جانتلمن » بتمام معنی بشوم . و بمن گفتند لازم است در رقص و زبان فرانسه وساز هم دروس‌بگیرم ، تصمیم نمودم که در یك‌مؤسسه مشق رقص بکنم و سه لیره اجرت برای یك‌دوره مشق رقص که مدت آن سه هفته بود پرداختم ، من بایستی شش هفته مشق کنم تا آن که بدانم چگونه باید رقصید ولیکن خود را عاجز دیدم از این که حرکات موزون و مرکبی در آن واحد بنمایم ، زیرا نمیتو انستم مطابق نوای پیانو این حرکات را تنظیم و محال بود برای من که بتوانم بین حرکات پا و نوای پیانو را وفق بدهم ولیکن چه بایستی کرد ؟ یك افسانهٔ نقل میکنندومیگویند زاهدی بود که کربهٔ را برای رفع زحمت‌موشهای عبادتگاه خود نگاه داشته بود و برای حفظ گربه ناچار شد ماده‌گاوی را هم نگاه دارد تا از شیرآن گربه تغذیه کند ، و ناچاربرای ماده‌گاوهم‌مستخدمی لازم‌بود که‌از آن پرستاری کندو بهمچنین‌الخ... وبدون‌شك من در یك همچو کورانی واقع شده بودم مطامع من روز بروز زیاد میشد و پشت سر هم ایجاد میگردید نظیر همان زاهد فکر کردم که ویلن‌را بیاموزم تا آنکه گوش را بنغمات موسیقی غربی آشنا سازم و یك ویلن بسه لیره خریداری کردم و مبلغ دیگری هم بعنوان اجرت معلم و مشاق بان علاوه نمودم و بجستجوی آموزگار سومی‌افتادم که فن « نوت » را بمن بیاموزد و یك لیره‌هم باو مقدمهٔ پرداختم که شروع بدرس نماید اول مرتبه دستور داد که یك کتاب « بل » Bell در فن « نوت » خریداری کنم آنرا هم خریدم

ولی کتاب « بل » نخستین چیزی بود که ناقوس را در بیخ گوش من بصدا در آورد ( در اینجا باید متذکر شویم که بین‌کلمه بل و ناقوس در حقیقت جناسی هم وجود دارد زیرا ناقوس را هم در زبان انگلیسی « بل » میگویند) و از آن غفلت مرا بیدار ساخت و نزد خود گفتم « تو شاید عمر خود را در انگلستان‌صرف نکنی » آیا چه فایده از تعلیم « نوت » خواهی برد ؟ و حال « آیا ممکن است که من با یاد گرفتن رقص جنتلمن بشوم » از یاد گرفتن ویلن هم عاجز ماندم حتی در هند هم نتوانستم یاد بگیرم و تا زمانی که مشغول تحصیل هستیم بایستی به دروس خود بپردازم و اگر قرار است اخلاق‌من تهذیب شود و از این تهذیب اخلاق جنتلمن بیرون آیم باز هم درس بهتر از چیز های دیگر است، و بنا بر این مقدمات همه چیز را ترك نموده‌و کنار گذاردم

تمام این افکار ونظایر این آفکار باینجاختم شد که مراسلهٔ بمعلم موزیك نوشته و از او تقاضا نمودم مرا از اتمام دروس خود معاف دارد،مراسله دیگری هم بمشاق رقص نوشتم‌نظیرهمان وخود نزد معلمه ویلن رفته که از مشار الیهما عذر بخواهم و بگویم که میتواند در ویلن من هرگونه مداخلات مالکانهٔ که بخواهد بنماید ، این معلمه خیلی‌مهربان و صمیمی بود ، و باو گفتم که بالاخره من‌چگونه امیدی بیجا داشتم ، مرا تشویق نمود که آنچه‌را تصمیم گرفته ام اجراء کنم و از این تغییر رویه من خشنود بود ، ولم و مشغولیت من باین اشیاء بیش از سه ماه بطول نیانجامید »

ولی حفظ لباس و سرور خود را چندین سال توجه نمودم ولیکن در هر حال بالاخره بهمان حال محصل و شاگردی که برای تحصیل دروس خواندن آمده است بر گشته و تمام هوا و هوسهای خود را ترك نمودم . ناتمام


## اعلان

اداره مازومات وزارت پست وتلگراف و تلفن قابسازی گنبد داخلی سرسرای عمارت وزارتی را مطابق شرائط ذیل بمناقصه میگذارد و بر وفق نقشه و دستور مهندس باید ساخته شود .

۱ - کلاف هائی‌درزیرپای گنبد ازچوب کبوده بعرض۳۰ و به قطره سانتیمتر باید کشیده‌شود.
۲ - چهارپاهلال ازچوب کبوده بعرض۳۰ سانتیمتر وبقطر۱۰ سانتیمترزیر گنبدمفتولی‌باید بگردد
۳ - هشت پا هلال از چوب کبوده برای ترك بندی زیر گنبد بعرض ۳۰ سانتیمتر و بقطر ۱۰ سانتیمتر باید واداشته شود .
٤ - قابسازی توی گنبد بمقدار تخمینا ٤٥۰ متر مربع ازآلت های ٦ در ۷ سانتیمتر
٥ - لایه کوبی پشت گنبد طوری تقریبا۷٥۰ مترمربع به عرض۵ سانتیمتر و بقطر ۲سانتیمتر
٦ - ۱٦ عدد گل و برك روی پایه ها ۸۰ در ۸۰ سانتیمتر و درعرض ۸ سانتیمتر قطر
۷ - چهار عدد گوی بفرم میوه کاج ۲٥ در ۲۰ در ۸ سانتیمتر
۸ - اتصال‌دادن آلت‌ها به لایه های‌پشت گنبد طوری توسط پیچ‌های کوشتی بطول‌هشت‌سانتیمتر
۹ - ایضا تیره های بزرك به لایه های پشت گنبد طوری توسط پیچ و مهره های آهنی بطول ۸ سانتیمتر وقطر دو
۱۰ - چهار عدد شیر وخورشید فابی با قاب و تاج از آلومینیوم برای چهار بدنه گنبد بطول۳٤۰ سانتیمتر و بعرض یکصد وبیست سانتیمتر
۱۱ - یکعدد قاب چوبی برای دور پنجره آهنی سوراخ وسط گنبد که توی دهنه آن دومتر در دومتر باشد .
۱۲- پنجره‌آهنی‌مشبك ازآهن دودر یك ونیم سانتیمتر که وسط قاب‌فوق‌الذکر کارگذارده‌میشود.
۱۳ - دهنه های آلت چینی زیر گنبد از تخته های سه‌لای کار اروپا مطابق نقشه‌موجوده که دهنه‌های آنها از ۷٥ سانتیمتر تجاوز نمیکند -
۱٤ - رنك وروغن سقف پس از بتانه کاری وآستری وپرداخت با دودست رنك پخته ویك دست رنك وروغن ساخت اروپا انجام خواهد گردید .
۱٥ - کلیه لوازم و مصالح و اجرت کارگر و میخ و پیچ از هر قسم و چوب از هرنوع و تکمیل چوب بستو آنچه که لوازم برای اتمام کار فوق‌الذکر لازم باشد بعهده پیشنهاد دهنده است
۱٦ - پیشنهاد دهندگان باید دارای اعتبارکافی باشند و مبلغ چهار هزار ریال ضمانت بدهند و پیشنهادت خود را با ذکر آخرین قیمت در پاکت سربسته با تعیین این جمله ( راجع بمناقصه قابسازی گنبد داخلی سرسرای عمارت وزارتی ) در روی پاکت بعنوان اداره مازومات وزارت پست و تلگراف و تلفن ارسال دارند

پیشنهاد دهندگان برای کسب هر گونه اطلاعی قبل از دادن پیشنهاد باداره مازومات این وزارتخانه مراجعه کنند پیشنهادات تا عصر ۱۹ بهمنماه پذیرفته میشود و برای روز ۲۰ دو ساعت قبل از ظهر در حضور پیشنهاد دهندگان در صورتیکه حضور داشته باشند و الا در غیاب آنها باز و قرائت خواهد گردید اداره مازومات وزارت پست و تلگراف و تلفن در رد و قبول یك یا کلیه پیشنهادات مختاراست - نمره اعلان ۳۰٤٦ نمره ۱۲٦۲۱ **وزارت پست وتلگراف وتلفن**

## استخدام

پنج نفر برای تعلیم و یاد گرفتن کارهای فنی جهت مطبعه اطلاعات لازم است که در قسمت ماشین خانه - فرم بندی وصحافی کار کنند کسانی که مایل هستند باید واجد شرایط ذیل باشند :

۱ - سن از پانزده سال کمتر نباشد
۲ - سواد فارسی داشته باشد

داوطلبین بایستی در ظرف یکماه فنون مربوطه را یاد گرفته و سپس مطابق تشخیص‌استاد کار خود حقوق برای آنها معین خواهد شد

۱ - ۳ **دفتر مطبعه اطلاعات**

## بشارت

این جانب صاحب مغازه اسپرانتو پهلوی که اخیراً **اجناس خیلی ممتاز عالی از اروپا** وارد نموده قسمتی از آن را از قبیل توریجات وغیره که در بازار طهران بکلی نایاب است برای مشتریان محترم خود بطهران آورده تا یکماه یعنی تا ۱۱ اسفند بفروش میرساند طالبین همه روزه از ساعت ۹ صبح الی ۹ بعدازظهر بادرس ذیل مراجعه فرمایند **خیابان اسلامبول جنب مغازه یامپلیسکی مغازه اسپرانتو از پهلوی گریشه**

نمره اعلان ۱ - ۱۰

---

**مطب مخصوص جهت امراض تناسلی و جلدی**

## دکتر آرام

طبیب متخصص در امراض مقاربتی : **سوزاك و سفلیس ضعف قوی باه** و کلیه امراض جلدی

کوچه امین السلطان روبروی کلیسیای کاتولیکها

معالجه بتوسط **الکتروتراپی و دیاترمی و اشعه التراوئوله کالوانیزاسیون**

با آخرین سیستم که در کلنیك های برلن و وین معمول است معالجه مینماید

**کابینه مخصوص جهت تشخیص امراض و تجزیه مختلفه**

اوقات مطب هر روز از ساعت ۸ صبح الی ظهر و از ۴ بعد از ظهر الی ۸

ثبت اداره صحیه و خیریه و معاونت عمومی ۲۵۲۴ نمره اعلان ۱۵۴۶ ۲۳

---

## اعلان

بموجب این اعلان در حدود نظامنامهٔ وزارت عدلیه و مقررات قانون تجارت بعموم طلبکاران آقا غلامحسین دخانیان متوقف ساکن بازارکفاشان طهران اعم ازمقیمین مرکز و ولایات اعلام میشود

۱ - فهرستی از کلیه اسناد و نوشتجات مطالبات خود تهیه نموده و بدفتر محکمهٔ بدایت در ظرف دو ماه فرستاده که مورد دقت واقع شده با دفاتر متوقف و اسناد مربوط ایشان که تحت نظر محاسبین معینه مشغول رسیدگی هستند تطبیق شود

۲ - روزهای شنبهٔ ۲۹ بهمن ویکشنبهٔ ۳۰ بهمن و دوشنبهٔ اول اسفند ۱۳۱۱ برای تصدیق مطالبات دیان وقت از طرف عضو ناظر معین شده لازم است شخصا در جلسات مزبوره که از دو ساعت بظهر الی دو ساعت بعد ازظهر تشکیل میشود حاضر شده یا وکیل ثابت‌الوکالهٔ خود را با اصول اسناد مربوطه برای تصدیق در حدود مادهٔ ۴۶۷ قانون تجارت اعزام دارند

۳ - بعموم مدیونین آقا غلامحسین نیز اعلام میشود که بایستی قروض خود را در اسرع اوقات بصندوق عدلیه تسلیم نموده قبض رسید آنرا بدفتر محکمه بدهند و چنانچه اختلاف حسابی‌هم داشته باشند همه روزه میتوانند در اطاق هیئت‌تصفیه محکمه ابتدائی حاضر شده محاسبات خود راروشن و تصفیه نمایند و الا خسارت تاخیر تادیهٔ قانونی آن مطالبه خواهد شد .

نمره اعلان ۱۸۰۵ ۳-۴ مدیر تصفیه عمل‌توقف آقاغلامحسین دخانیان - **میرزا علی آقا یزدی**

---

## بیش از سیصد کلیشه

که آقایان محترم و خواتین معظمه قبلا متحمل مخارج فوق العاده شده و هر یك کلیشهٔ باسم خود تهیه نموده اند کماکان محفوظ و برای استفاده حاضر است دیگر لازم نیست همان مخارج را نموده مهر دیگری تهیه نمایند و میتوانند فقط با اجرت چاپ از کلیشه های خود استفاده نموده کاغذ پاکت - کارت‌ویزیت مهر سر پاکت سفارش داده در اسرع اوقات تقدیم بشود آقایانیکه در ولایات هستند میکن است سفارشات خود را داده برای آنها ارسال شود .

کارت ویزیت با چاپ مطبعه از صدی ۵ ریال الی ۲۵ ریال برای عموم طبع میشود

نمره اعلان ۲۰۰۳ ۲ - ۵ **مغازه کاشانی - ناصریه**

---

## قابل توجه آقایان اطباءمحترم

**معالجه جدید مرض گریپ و عوارضاتش**

آمپول و حب گایارسین Gaiarine جدید ترین و بهترین علاج مرض گریپ و عوارضاتش میباشد و همه روزه طرف استفاده اطباء و مرضی اروپا واقع است این دوا در اندك‌مدتی مرض گریپ را معالجه نموده و از عوارضات آن جلوگیری مینماید خوب است آقایان اطباءمحترم از اثرات گایارسین برای معالجه مرضی خود استفاده فرمایند

فروش در دواخانه های معروف - دواخانه فرانس طهران

نمره ثبت اداره صحیه و خیریه و معاونت عمومی ۲۱۷۷ نمره‌اعلان ۲۳۰۷ ۱-۳

---

## بهارستان مولانا حامی

عاشقان ادبیات فارسی پس از مطالعه مقدمه و شرح حال شاعر شهیر واصل کتاب اهمیت آنرا در نظر گرفته بمحصلین محترم توصیه خواهند نمود با چهار ریال از کتابخانه مرکزی خیابان شاهپور خریداری نمائید .

نمره‌اعلان ۲۰۲۱ ۲-۵

---

---

## ذغال سنك اعلا را

که متعلق‌بتاجره و روته است و دارای‌دوام زیاد و ارزان میتوانید به آدرس ذیل رجوع نموده ابتیاع نمائید

شاه آباد : اول‌باغ‌سپهسالار **نوری‌جانیان**

تلفون ۵۵۰ نمره اعلان ۱۷۱۲ ۱۱-۱۵

---

## اصلاحات اجتماعی

این کتاب حاوی مطالب سودمندی است که هر خواننده‌را بوجعی‌آورد غفلت از خواندن‌موجب پشیمانی است

برای دستر سی‌به کتابخانه‌های طهران و این سینا و مرکزی ( خیابان شاهپور ) و آتشکده ( میدان مخبرالدوله ) مراجعه فرمائید

نمره اعلان۲۰۲۲ ۳-۱۰

---

## مقام زن در اسلام

برای اطلاع از مقام و حقوق زن درشرع اسلام و تساوی آنها در حقوق بکتاب : « **زن درجامعه** » دردفتر روزنامه اطلاعات و کتابخانه‌های طهران ابن سینا دانشکده ( میدان شاه‌آباد )مرکزی (خیابان شاهپور ) رجوع فرمائید

---

## فقط بیع شرطی و قطعی را

مرکز کل معاملات ملکی خیابان ناصریه روبروی بازار مروی اول کنار خندق سابق در ظرف ۴۸ ساعت برای شما انجام می دهد

نمره اعلان ۲۰۰۷ ۶-۱۰

---

## مبیع شرطی

که ورقه‌مالکیت صادر یا اعتراض‌ثبت گذشته‌باشد مورداحتیاج است از صاحبان‌محترم‌متمنی‌است توضیحات لازم با تلفن یا بوسیلهٔ پست شهری بدون هیچ تعهداتی باین تجارتخانه مراجعه فرمایند - تجارتخانه استیفانی مرتبهٔ دوقانی خیابان اسلامبول تلفن ۸۷۰

نمره اعلان ۲۰۳۶ ۱-۴

---

## کتاب بعد؟

کسانیکه این کتاب را خوانده باشند می دانند که نویسندهٔ آن چقدر در نوشتن کتاب‌مزبور مهارت بخرج داده است .

این کتاب دارای نکات باریکی است که بی اختیار احساساتی در خواننده ایجاد مینماید

برای‌بدست آوردن این کتاب نفیس‌به کتاب خانه‌های ابن‌سینا -طهران- مرکزی - دانشکده ودفتر روزنامه اطلاعات‌مراجعه‌و از قرارجلدی شش‌ریال‌خریداری‌فرمائید

---

## اعلان از طرف صلح بلدیه

آقا سید احمد خان نقیب زاده قمی بوکالت‌از طرف میرزا احمد خان منصور طرفیت مجیدبخانم صبیه مرحوم آقا میر سید علی اکبر خان بمبلغ ۱ بکهزارو بانصد ریال بابت اصل وجه و خسارت تاخیرتادیه بشرح عرضحال نمره ۱۴۷ درتاریخ بیست‌و نهم مرداد ماه یکهزاروسیصدو یازده بمحکمه صلح محدود بلدیه طهران تقدیم عرضحال نموده ( بمستند یك طغرا مصالحه نامه شرطیه منسوب بمدعی‌علیها ساکی از آنکه مصالحه می‌نماید مجیدیه خانم با میرزا احمد خان در تاریخ نوزدهم دیقعده چهارصدت تمامی یکدانك مشاع از کل ششدانك یکباب عمارت ملکی خود مشتمله بر بیرونی و اندرونی واقعه در خیابان منیریه را بمال‌المصالحه مبلغ یکصد تومان با شرط خیار در ظرف دوروز پس از یکسال ) و چون محل اقامت مدعی علیهارا غیر معلوم معرفی نموده مطابق مقررات شرح دعوی مدعی ۳ نوبت متوالی ( از تاریخ نشر آخرین اعلان تا چهارماه ) در مجله رسمی و روزنامه اطلاعات اعلان‌میشود تا چنانچه مشارالیها اظهاری در مقابل دارد بنماید و الا پس از انقضای مدت با تقاضای وکیل مدعی حکم غیابی صادر خواهد شد نمره اعلان ۲۰۲۵ ۱-۳ **مدیر دفتر صلح‌بلدیه-محمود الهی**

---

## مؤسسه ماشین تحریر

جدیداً ادارهٔ بنام فوق الذکر با تهیه نمودن ماشین های نو و سیستم مختلف برای فن تعلیم ماشین نویسی فارسی و لاتین در اول خیابان ناصریه مقابل تلگرافخانه یاساز معتمدی تاسیس و از آقایان و خواتین محترم پذیرائی میشود نمره اعلان ۲۰۳۶

---

## اعلان نوبت سوم از طرف صلح محدود طهران شعبهٔ ۴

بتاریخ ۱ر۹ر۳۱۱ - فاطمه سلطان خانم منوچهریان - تاج سلطان خانم محتشم - سلطنت خانم کاتوزیان دارندگان اوراق هویت نمرهٔ ۲۵۳۴۶ نمره ۹۵۳ نمره ۵۸۹۷ صادره از نواحی ۷-۸ - ۹ - طهران تقاضا نامه بنمره ۴۴۰۲ ۱۷ر۸ر۳۱۱ بمحکمه تقدیم و باستناد یك ورقه استشهاد که جمعی وزاتت مشار الیهم را تصدیق کرده اند اظهار داشته اند که مرحوم میرزا احمد خان فرزام مورث این جانبان در تاریخ ۱۸ اسفند ماه ۳۱۰ در طهران منزل شخصی خود واقعه در کوچه قاجاریه فوت نموده و تقاضای تصدیق انحصار وراثت میکنیم و ضمناً تذکر داده اند که حقوق‌خدیجه خانم حق بیان عیال مرحوم میرزا احمد خان را از ماترك از منقول و غیر منقول بموجب سندرسمی تنظیمیه در محضر نمرهٔ ۲۳ داده ایم - محکمه صلح محدود طهران شعبه ( ۴ ) طبق مادهٔ ( ۳ ) از قانون انحصار وراثت مراتبرا ۳ نوبت متوالی ماهی یکمرتبه در مجلهٔ رسمی وزارت جلیله عدلیه و یکی از جراید بومیهٔ مرکز اعلان میکند تا چنانچه کسی نسبت بانحصار وراثت اشخاص‌فوق‌الذکر اعتراضی دارد از تاریخ نشر اولین اعلان لغایت مدت ۳ ماه‌بمحکمه تقدیم دارد و درصورت عدم‌وصول اعتراض و انقضاء مدت مقرر تصدیق مقتضی صادر خواهد شد

نمره اعلان ۲۰۳۹ **رئیس‌محکمه صلح‌محدود طهران‌شعبه (۴) محمدخان صدر**

---

## اعلان نوبت‌اول‌ازطرف صلح بندرپهلوی

بتاریخ دهم دیماه سیصدو یازده مثیره خانم اجلی صبیه حاج مهدی دلیلی صاحب ورقه هویت ۱۵۱۶ و کبری خانم صبیه حاج مهدی دلیلی صاحب ورقه هویت ۶۱۷۴ و فاطمه خانم صبیه حاج‌مهدی دلیلی صاحب ورقه هویت ۶۱۷۳ حسن آقا ولد حاج مهدی دلیلی صاحب ورقهٔ هویت ۶۱۷۲ و ربابه خانم صبیه سید علی اکبر صاحب ورقه ۶۱۷۱ اما لتا از طرف خود وصایتا از طرف خدیجه خانم صبیه حاج مهدی دلیلی صاحب ورقه هویت ۶۱۷۶ و مشهدی عباس ولد حاج مهدی‌دلیلی صاحب ورقه هویت ۶۱۷۵ صادرات از اداره سجل احوال بندر پهلوی‌عرضحالی‌درتحت‌نمره ۲۷۲ بعنوان انحصار وراثت بر حاج مهدی دلیلی مرحوم باستناد هشت طغری سواد اوراق سجل و یك طغری سواد وصیت نامچه مورخه ۱۵ شهرصفر۱۳۵۰ و یك طغری استعلامیه که جمعی ازمعاریف بندر پهلوی تصدیق نموده اند که ورات مرحوم حاجی مهدی دلیلی منحصر باشخاص فوق است بمحکمه صلح بندر پهلوی تقدیم داشته نظر بتقاضای اشخاص مرقومه مراتب مزبوره سه نوبت سه ماه متوالی ماهی یك مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید مرکز اعلان و افهام میشود که هر کس نسبت بوراثت اشخاص فوق الاشعار اعتراض و ایرادی دارد در مدت قانونی کتبا به محکمه صلحیه بندر پهلوی‌تقدیم نماید و الا بعد از انصرام موعد مقرره اقدام‌مقتضی بعمل آمده و تصدیق بر انحصار وراثت‌اشخاص مزبوره داده خواهد شد

رئیس محکمه صلح‌بندرپهلوی صفی‌الله الحسینی -

نمره اعلان۲۰۴۱

---

## اعلان نوبت دوم از طرف صلح محدود طهران شعبه ۲

محکمه صلح محدودطهران شعبه دوم بحکومت آقای فرزار تشکیل وبشرح ذیل اعلام‌مینماید بتاریخ نهم آبان ماه ۱۳۱۱ آقای آقا میرزا عزیزالله ناظم صادقیان بوکالت مم‌الواسطه ازطرف خدیجه خانم اصالتا و قیمومتا از طرف بدر الزمان و پرویز خان و خدیجه خانم و توران خانم صغار مرحوم نایب حسین آقاب گردانجی و عبدالعظیم ومحمد کریم و عذراخانم و مونس خانم باستناد سوادمصدق یکطغری ورقه سؤالیه و سواد مصدق یکطغری قیم نامه وسواد مصدق هشت طغری اوراق هویت‌بعنوان اینکه مرحوم نایب حسین آقاب گردانجی در تاریخ محرم ۱۳۵۱ وفات یافته و خدیجه خانم عیال و عبدالعظیم و محمد کریم ولدین و عذرا خانم و مونس خانم صبایای کبار ورثه وچهار نفر صغارمفصله در فوق ورات منحصر مرحوم مزبور میباشند بشرح تقاضا نامه نمره ۴۱۹۰ ۱۱ر۸ر۷ صدور تصدیق انحصار وراثت را تقاضا نموده محکمه نظر بدستور ماده ۳ قانون انحصار وراثت مفاد تقاضا نامه را در مدت سه ماه متوالی و در هر ماه یکمرتبه در مجله رسمی وزارت عدلیه و در یکی از جرایدمحلی اعلان مینماید چنانچه کسی نسبت بتقاضای مزبور اعتراضی دارد از تاریخ نشر اولین نوبت اعلان در مدت سه ماه قیام بتقدیم اعتراضنامه بدفتر محکمه نماید و در صورت انقضاء مدت مقرره و عدم وصول اعتراض‌محکمه تصدیق‌مورد تقاضا راصادرخواهدنمود **امین صلح محدود طهران‌شعبه‌ثانی فرزار**

نمره اعلان ۲۰۴۰

---

## مطب دکتر یحیی خان‌پویا

**متخصص در امراض جلدی تناسلی و مالاریا**

**صاحب دیپلم از فاکولته طبی پاریس**

انواع مختلفه امراض جلدی از قبیل اکزما و شوره و ریزش موی سر و امراض تناسلی و مالاریا را با دقت مخصوص مطابق اصول جدیدهٔ علمی معالجه می نماید

نمره اعلان۱۵۸۰ **آدرس خیابان شاهپور اول کوچه قاپوچی باشی**

---

نمره ۱۵۷۳۴ ۲۹ر۸۷ اعلان

اداره ثبت اسناد و املاك ایالتی طهران شش دانك دو قطعه باغ مشجر معروف به باغ واشخره و با سیید ار و واقعتین در قریه سنکان از بلوك کن ملکی آقای ابوالقاسم محمدحسینی را که برای استیفاء طلب مخدره هاجر خاتون فخور از مشار الیه دایره این اداره توقیف نموده است برطبق ماده ۸۶ نظامنامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء با رعایت مقررات مواد ۷۸ و ۷۹ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ نظامنامهٔ مذکور بمزایده می گذارد طالبین میتوانند در روز ۱۶ اسفند ساعت ۱۰ صبح در اداره ثبت ایالتی طهران حاضر شده در خرید شرکت نمایند

این اعلان در شصت روز هربیست روز یك مرتبه منتشر میشود اعلان نوبت دوم تاریخ ۶ بهمن ۳۱۱

نمره اعلان ۲۰۴۳ رئیس‌اداره ثبت ایالتی طهران **علینقی بیگلری**

---

نمره ۱۶۹۰۳ ۲-۲۵ اعلان ۱۱ر۹ر۱۵

اداره ثبت اسناد و املاك ایالتی طهران ۴ دانك مشاع از شش دانك یك باب خانه واقعه در ناحیه ۵ قنات آباد قرب امامزاده سید ناصر الدین ( ع ) کوچه حاجی مرغی دارای پلاك نمره ۳۳۷ ملکی آقای احمد خان فرزند مرحوم مشهدی محمد علی میوه فروش ( استاد ابراهیم معمار ) معروف بمشهدی میرزا و مخدرتان کبری خانم و بتول خانم صبیه وعیال آن مرحوم را که بموجب سند ثبت شده در دفتر اسناد رسمی نمره ۲۹ بیبع حیاری‌بآقای محمد آقای سلیمانی آزان نمره۴۰۷ منتقل شده و مشتری بر حسب دستور ماده ۳۴ قانون ثبت اسناد و املاك تقاضای فروش ملك مزبور را نموده است بر طبق ماده ۸۶ نظامنامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء با رعایت مقررات مواد ۷۸ و ۷۹ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۶ نظامنامه مذکور بمزایده می گذارد طالبین میتوانند در روز ۱۶ ر اسفند ساعت ۱۱ صبح در اداره ثبت ایالتی طهران حاضر شده و در خرید شرکت نمایند این اعلان در شصت روز هر بیست روز یك مرتبه منتشر می شود اعلان نوبت دوم تاریخ ۶ر بهمن ۱۳۱۱ نمره اعلان۲۰۴۵ رئیس اداره ثبت ایالتی‌طهران - **علینقی بیگلری**

مطبعه اطلاعات